

سوال

خواهش می‌کنم معنای بندگی را در اسلام توضیح دهید (یعنی بندگی برای الله و بندگی برای مردم به چه معناست؟)

پاسخ مفصل

الحمدلله.

بندگی مسلمان برای الله عزوجل همان چیزی است که خداوند سبحان در کتاب خود به آن دستور داده و پیامبران را برای آن فرستاده است؛ چنانکه می‌فرماید: **وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ** [نحل/ ۳۶] (و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید] الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید).

عبودیت در زبان عرب از **تعبد** گرفته شده؛ مثلاً می‌گویند: راه را تعبد کردم، یعنی هموار و آسانش نمودم. عبودیت بنده برای الله شامل دو معنای عام و خاص است: اگر منظور از آن تسخیر باشد، عبودیت به معنای عام آن خواهد بود که همه‌ی مخلوقات از همه‌ی جهان بالا و پایین و عاقل و غیر عاقل و تر و خشک و ساکن و متحرک و کافر و مومن و بدکار و نیکوکار، همه مخلوق الله عزوجل و همه‌ی تحت تسخیر و تدبیر او هستند و هر کدام حدی دارند که [خواسته یا ناخواسته] نزد آن متوقف می‌شوند.

اما هر گاه منظورمان از بنده، شخص عبادتکاری است که مطیع امر الله است، این بندگی تنها مخصوص مومنان است نه کافران، زیرا مومنان بندگان حقیقی‌الله هستند که در ربوبیت و الوهیت و نام‌ها و صفات الله، توحید او را پیشه ساخته‌اند و چیزی را با وی شریک نساخته‌اند.

چنانکه الله متعال در داستان ابلیس چنین حکایت می‌کند: **قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ** (۳۹) **إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلَصِينَ** (۴۰) **قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ** (۴۱) **إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ** [۳۹-۴۲] (گفت: پروردگارا به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت (۳۹) مگر بندگان خالص تو از میان آنان را (۴۰) فرمود: این راهی است راست [که] به سوی من [منتهی می‌شود] (۴۱) در حقیقت تو بر بندگان من تسلطی نداری مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند).

عبادت‌ی که خداوند به آن دستور داده است، نامی است جامع برای هر سخن و عمل ظاهری و درونی که الله متعال آن را

دوست دارد و از انجام آن خشنود است، و بیزاری از هرچه مخالف آن باشد. بنابراین، شهادتین و نماز و حج و روزه و جهاد در راه خدا و امر به معروف و نهی از منکر و ایمان به الله و ملائکه و پیامبران و روز بازپسین، همه در تعریف عبادت می‌گنجند و اساس این عبادت بر اخلاص است، یعنی اینکه هدف عابد از عبادتش، به دست آوردن خشنودی الله و خانه‌ی آخرت باشد. الله متعال می‌فرماید: **وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى (۱۷) الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى (۱۸) وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى (۲۰) وَلَسَوْفَ يَرْضَى [الأعلى / ۱۷ - ۲۱]** (و متقی‌ترین [مردم] از آن [جهنم] دور داشته خواهد شد (۱۷) همان که مال خود را می‌دهد [برای آن که] پاک شود (۱۸) و هیچکس را به قصد پاداش [و عوض] نعمت نمی‌بخشد (۱۹) جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد] (۲۰) و قطعاً به زودی خشنود خواهد شد).

بنابراین اخلاص و سپس راستی ضروری است، یعنی آنکه مومن تلاش خود را در راه اجرای فرمان الله و دوری از منهیات او و آمادگی برای دیدار الله متعال و ترک عجز و تنبلی و دور نگه داشتن نفس از هوا و هوس به کار گیرد، همانگونه که الله متعال می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ [توبه / ۱۱۹]** (ای کسانی که ایمان آورده‌ای از الله پروا کنید و با راستان باشید).

و پس از آن پیروی از پیامبر ﷺ لازم و ضروری است؛ یعنی بنده‌ی عبادتگزار الله باید بر اساس شریعت خدای عزوجل و نه بر حسب هوای نفس و دلخواه خود، عبادت او را به جای آورد و دچار بدعت نشود، و منظور از پیروی پیامبر ﷺ است که از سوی خداوند فرستاده شده، همین است. با دانستن این امور برای ما آشکار می‌شود که هر چه با این تعریف مخالف باشد همه بندگی مردم است؛ ریا بندگی مردم است و شرک بندگی مردم است و ترک امر پروردگار و خشم او برای خشنودی مردم، بندگی مردم است، و هر کس طاعت هوای نفس خود را بر طاعت پروردگار مقدم بدارد از مقتضای عبادت خارج شده و خلاف راه راست گام برداشته است. به همین سبب، رسول الله ﷺ می‌فرماید: **بدبخت شد بنده‌ی دینار و بدبخت شد بنده‌ی درهم و بدبخت شد بنده‌ی لباس... اگر به او بدهند خشنود می‌شود و اگر ندهند خشمگین می‌شود. بدبخت گردید و بیماری‌اش درمان نشد و اگر خاری به پایش رود کسی آن را بیرون نیاورد.**

عبودیت الله شامل محبت و ترس و امید است، یعنی بنده پروردگارش را دوست دارد و از مجازات او می‌ترسد و به رحمت و ثوابش امیدوار است. این‌ها سه رکنی هستند که [رابطه‌ی صحیح بندگی با پروردگار] جز با آن استوار نمی‌گردد.

بندگی برای الله شرف است و افتخار، نه ذلت و سرشکستگی، چنانکه شاعر عرب می‌گوید:

آنچه بر سربلندی و افتخار من افزوده، و نزدیک است با آن ثریا را زیر پا بگذارم، همین است که به من بگویی: ای بنده‌ام! و همین که احمد را به پیامبری من مبعوث کرده‌ای



از الله متعال خواهانيم ما را از بندگان صالح خود گردانند، و درود و سلام الله بر پيامبر ما محمد و بر آل و اصحاب وی باد.